مرد همسرکش در بیمارستان روانی بستری شد

مردی که همسرش را با ادعای کارگذاشتن جی‌پی‌اس در شکمش به قتل رسانده، به علت ابتلا به اختلال‌های روانی در بیمارستان بستری شد.

به گزارش خبرنگار ما، متهم، ۲۷ اردیبهشت‌ماه به اتهام قتل همسرش در مسعودیه تهران بازداشت شد. بررسی‌های قاضی محسن مدیر روستا، بازپرس ویژه قتل تهران نشان داد که زن ۴۷ساله به علت فشار طناب به دور گردنش کشته شده‌است. مرد میانسال در اولین بازجویی مدعی شد به خاطر اختلاف خانوادگی دست به قتل همسرش زده است. بررسی‌ها نشان داد قاتل اعتیاد به مصرف مواد مخدر شیشه دارد و درگیری در نبود دو دخترشان رقم خورده است. متهم ابتدا با همسرش در پذیرایی درگیر شده و سپس او را در حمام خانه به قتل رسانده است.

او تحت‌تأثیر مصرف شیشه مدعی شد که مقتول اصلاً همسرش نبوده است. متهم گفت: او مدتی به عنوان خدمتکار به خانه من رفت و آمد داشت و به دروغ به همه گفته بود که مادر دو دختر من است. او در این مدت در شکم من جی‌پی‌اس کار گذاشته بود و همیشه مرا تحت نظر داشت. او با دو گوشی که در گوشم جاسازی کرده بود با من حرف می‌زد و به من دستور می‌داد. من قبلاً به شیشه اعتیاد داشتم، اما مدتی است مصرف نمی‌کنم و به همین دلیل برای درمان به ترکیه رفتم، اما در ترکیه پول‌هایم را سرقت کردند که مجبور شدم به ایران برگردم. پس از این پری تصمیم به قتل من داشت به همین خاطر من پیش‌دستی کردم و او را به قتل رساندم تا در نقشه‌اش ناکام بماند.

همزمان با ادامه تحقیقات متهم برای بررسی سلامت روحی و روانی در اختیار پزشکی قانونی قرار گرفت تا اینکه چند پزشکی قانونی اعلام کردند متهم از اختلال روحی و روانی رنج می‌برد. بنابراین متهم به دستور قاضی مدیر روستا برای درمان به بیمارستان روانی منتقل شد.

قتل پدر و پسر با شلیک گلوله

پدر و پسری در یکی از روستاهای شهرستان شوش با شلیک گلوله به قتل رسیدند.

این حادثه چند روز قبل در روستای الجزایر این شهرستان اتفاق افتاد و بررسی‌های پلیس نشان داد که پدر و پسر با شلیک گلوله هدف قرار گرفته و جان خود را از دست داده‌اند. مجید افراخته، رئیس دادگاه بخش شاوور این شهرستان گفت: تلاش برای بازداشت عاملان حادثه در جریان است.

مرگ زن جوان ۳ ماه پس از سقوط خونین

زن جوانی که سه‌ماه قبل هنگام خانه تکانی از پنجره خانه‌اش در طبقه دوم به پایین سقوط کرده‌بود، پس از سه‌ماه در بیمارستان جان باخت.

به گزارش خبرنگار ما، شامگاه جمعه ۱۲ خردادماه امسال مأموران پلیس با تماس کارکنان بیمارستانی در جریان مرگ مشکوک زن جوانی قرار گرفتند و راهی محل شدند. مأموران در بیمارستان دریافتند حدود سه‌ماه قبل، چند روز مانده به سال جدید این زن در حال پاک کردن شیشه پنجره و خانه تکانی از طبقه دوم خانه‌اش به پایین سقوط می‌کند و پیکر نیمه‌جانش برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود. پس از این تیم پزشکی تلاش زیادی برای نجات زن جوان انجام می‌دهند، اما وی به کما می‌رود و تا اینکه ساعتی قبل فوت می‌کند. با اعلام این خبر، جسد زن جوان به دستور بازپرس دادسرای امور جنایی تهران برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

امید یک بیمار به ادامه زندگی

کبد مردی که با سقوط از ارتفاع به مرگ مغزی مبتلا شده بود به یک بیمار نیازمند اهدا شد.

بهرام محمدی، مردی ۳۴ ساله‌ای بود که چند روز قبل به علت سقوط از ارتفاع در یکی از محله‌های اصفهان دچار حادثه شده بود و به بیمارستان الزهرای این شهر منتقل شد. مریم خلیفه سلطانی، مسئول واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی مرکز آموزشی درمانی الزهرا اصفهان گفت: با رضایت خانواده بهرام، کبد وی به بیماری نیازمند اهدای عضو، پیوند زده شد.

سرگردانی خانواده توریست جانباخته ایرانی برای گرفتن غرامت از ترکیه

باگذشت سه‌سال از جان‌باختن توریست ایرانی در یکی از فروشگاه‌های شهر استانبول در کشور ترکیه، هنوز غرامتی به خانواده وی پرداخت نشده است.

فرانک، توریست ایرانی بود که خردادماه سال ۹۳ همراه خانواده‌اش با یک تور مسافرتی راهی شهر استانبول در کشور ترکیه شد. شامگاه ۲۴ خردادماه همان سال فرانک وارد فروشگاه ۳۱۳ شد. او در حال انتخاب لباس بود که ناگهان زیرپایش خالی شد و به راه‌پله‌ای که میان بسته‌های لباس پنهان شده بود سقوط کرد. لحظاتی بعد امدادگران خود را به محل رسانده و فرانک را که به علت برخورد سرش با پله دچار جراحت شده بود به بیمارستانی مجهز منتقل کردند. توریست ایرانی خیلی زود به اتاق عمل منتقل شده و تحت عمل جراحی قرار گرفت. تلاش پزشکان برای نجات فرانک اما ثمری نداشت و او روی تخت بیمارستان جان خود را از دست داد. با اعلام مرگ فرانک، خبر حادثه به رسانه‌ها راه پیدا کرد و کنسولگری ایران در ترکیه پیگیری حادثه را در دستور کار خود قرار داد. خانواده توریست ایرانی با کمک وکیل معرفی شده از سوی کنسولگری علیه مدیر فروشگاه اعلام شکایت کردند. سمانه، دختر فرانک به خبرنگار ما گفت: بعد از حادثه مدیر فروشگاه اصلاً در بیمارستان حاضر نشد. او در هیچ کدام از مراحل با ما همدردی نکرده است. وی ادامه داد: پرونده از طریق وکیل معرفی شده در دوبخش حقوقی و کیفری در استانبول دنبال می‌شود.

در بخش کیفری دادگاه متهم را به علت رعایت نکردن اصول ایمنی و نداشتن بیمه مجرم شناخته و به پنج‌سال حبس محکوم کرده است. البته متهم بازداشت نشده و به فعالیت خودش ادامه می‌دهد که جای تعجب دارد. در بخش حقوقی هم هنوز جلسه دادگاه تشکیل نشده و گفته شده است که در همین ماه تشکیل خواهد شد. البته من خودم بارها به استانبول رفته و پرونده را پیگیری کرده‌ام، اما پاسخ درستی دریافت نکرده‌ام. آن گونه که وکیل مدافع اعلام کرده دیه اعلام شده بیش از یک‌میلیون لیره است. از آنجا که فروشگاه بیمه نبوده متهم باید خودش غرامت را پرداخت کند که اعلام کرده حاضر به پرداخت این مقدار خسارت نیست. در حال حاضر امیدواریم که بعد از سه‌سال از وقوع حادثه، حق قانونی ما پرداخت شود.

فریب ۴۰ زن و دختر با کارت ویزیت طلافروشی

پسر جوان با چاپ کارویزیت، زنان و دختران را فریب می‌داد و خودش را طلافروش سرشناسی در شمال تهران معرفی می‌کرد. متهم که امین نام دارد، تاکنون با شکایت ۴۰ زن و دختر به اتهام سرقت، کلاهبرداری و آزار مواجه شده است.

به گزارش خبرنگار ما، اواخر پاییز سال ۹۵ زن میانسالی راهی اداره پلیس در تهران شد و از پسری ۲۵ ساله به نام امین شکایت کرد. او گفت: یک ماه قبل برای خرید لباس به پاساژی در شمال تهران رفته بودم.

هنگام برگشت از خرید دیدم راننده یک خودروی زانتیا، طوری ماشینش را پارک کرده که نمی‌توانم از پارک خارج شوم. به همین دلیل مجبور شدم با شماره تلفنی که روی شیشه خودرو قرار داشت، تماس بگیرم. شماره تلفن روی کارت طلافروشی چاپ شده بود. بعد از تماس، راننده آمد و ماشینش را جابه‌جا کرد.

او بعد از جابه‌جایی خودرواش کارت طلافروشی را به من داد و پیشنهاد داد برای خرید طلا به مغازه او بروم. چند روز بعد با امین تماس گرفتم و به آدرس مغازه که در اقدسیه بود، رفتم. همین ملاقات با آن جوان خوش‌تیپ و مؤدب منجر به علاقه شد و از من خواست از طریق اینستاگرام با هم در ارتباط باشیم. شاکی در ادامه گفت: این ارتباط ادامه داشت تا اینکه وقتی عکس‌های خصوصی‌ام را برای امین فرستادم، او تهدیدم کرد اگر پولی که می‌خواهد به او ندهم، عکس‌ها را به خانواده‌ام نشان خواهد داد. به هر سختی بود، چند میلیون پول فراهم کردم و به او دادم، اما او دست بردار نبود به همین دلیل تصمیم گرفتم از او شکایت کنم.

با طرح این شکایت، مأموران در تحقیقات خود دریافتند که پسر کلاهبردار از چندین زن و دختر به همین شیوه اخاذی و سوءاستفاده کرده است و همه آنها نزد مأموران اعتراف داشتند که به دام اینستاگرامی پسر جوان گرفتار شده‌اند. در حالی که مبلغ اخاذی از ۳۹ نفر شاکی حدود ۱۰۰ میلیون تومان برآورد شده بود، یکی از شاکیان در توضیح شکایت خود گفت: در پارک برای پیاده‌روی رفته بودم که امین را دیدم. وقتی شماره تلفن مغازه طلافروشی‌اش را داد، با او تماس گرفتم. این تماس بهانه آشنایی ما شد و در ملاقات‌ها قول ازدواج داد. با این حرف به او اعتماد کردم و روزی برای دیدنش به خانه او رفته بودم. امین حالت عادی نداشت به همین دلیل تلاش کردم، از خانه خارج شوم، اما او مانع شد و بعد از آزار طلاهایم را سرقت کرد.

با تأیید این شکایت از سوی پزشکی قانونی، امین تحت تعقیب مأموران قرار گرفت، شناسایی و دستگیر شد.

متهم در بازجویی‌ها به مأموران گفت: قبول دارم برای جلب اعتماد با چاپ کارت طلافروشی با آنها رابطه برقرار کردم، اما کسی را آزار ندادم و اخاذی نکردم. آنها پول می‌دادند تا برایشان ماشین بخرم.

با توضیحات متهم و مدارک موجود این پرونده تکمیل و برای رسیدگی به اتهام کلاهبرداری به دادگاه عمومی انقلاب اسلامی و با استناد به مدارک پزشکی قانونی برای رسیدگی به اتهام آزار به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهم به زودی پای میز محاکمه حاضر خواهد شد.

بازکاوی پرونده‌های همسرکشی در گفت‌وگو با دکتر ولی‌الله حسینی، معاون قضایی دادگستری تهران

اصلاح کانون خانواده با شعار درست نمی‌شود

گفت‌وگو
محبوبه قربانی

پرونده‌های همسرکشی با انگیزه‌های متفاوت تشکیل می‌شود. پیدا شدن ردی از خیانت، خشونت، اعتیاد به مواد مخدر و رفتارهای ناهنجاری از این دست از سوی یکی از زوجین می‌تواند پیامدی مرگبار به همراه داشته باشد، آن زمان که بنیان زندگی قرار بود بر تحکیم بنا شود، به کابینی از خون تبدیل می‌شود. نظر به اهمیت موضوع با دکتر ولی‌الله حسینی، معاون قضایی دادگستری تهران و سرپرست مجتمع قضایی شهید محلاتی در این باره گفت‌وگو کرده‌ایم. قاضی حسینی در مدت ۲۰ سال قضاوت به پرونده‌های قتل بسیاری در کسوت بازپرس ویژه قتل پایتخت و قاضی ارشد در محاکم کیفری استان تهران رسیدگی کرده است.

برای ورود به بحث آیا آماری از پرونده‌های شکل گرفته با موضوع همسرکشی موجود است؟

آمار دقیقی نمی‌توان گفت، چون هر سال متفاوت است، زیرا هر اتفاق اجتماعی در تعداد این دسته از پرونده‌ها تأثیرگذار است. به هر حال بخشی از قتل‌هایی که در کشور اتفاق می‌افتد، متأسفانه مربوط به همسرکشی است که گاهی از جانب مرد اتفاق می‌افتد و گاهی از جانب زن.

به نظر شما زن و مرد با چه انگیزه‌ای مرتکب چنین قتل‌هایی می‌شوند؟

این انگیزه در زن و مرد متفاوت است. در خانم‌ها اولین مورد به قوانین طلاق برمی‌گردد. خانم‌هایی که در زندگی دچار اختلافات شدید با شوهرانشان می‌شوند و امکان جدایی از طریق قانونی امکان‌پذیر نیست، زن برای گرفتن انتقام یا جبران و خلاصی از رنجی که در آن گرفتار شده‌است، دست به خودکشی می‌زند یا شوهرش را به قتل می‌رساند. آنها اگر خودشان هم نتوانند مرتکب قتل شوند، از برادر یا پدرانشان کمک می‌گیرند. دومین مورد خیانت است. دسته‌ای از دختران به خاطر مخالفت خانواده با فرد مورد علاقه، با فرد دیگری به اجبار ازدواج می‌کنند. بعدها با برقراری رابطه که به علاقه شدید منجر می‌شود، تصمیم می‌گیرند او را که مانع است، از سر راه بردارند. در ادامه مشکلات مالی و اقتصادی نیز مؤثر است که گاهی به خاطر درآمد پایین و گاهی به خاطر ارث یا منفعت بیشتر دیده می‌شود. موارد دیگر از جمله به «کینه» می‌توان اشاره کرد. زن در زندگی آن قدر تحقیر می‌شود که از نظر روحی و روانی تصمیم به قتل شوهر می‌گیرد. در مردان هم انگیزه‌های مختلفی وجود دارد و مهم‌ترین آنها خیانت همسر است. در این مورد مرد فکر می‌کند که زن مهدورالدم است و قانون اجازه قتل او را داده‌است، اما قانون تنها در شرایط خاص زن را مهدورالدم می‌داند. دیگر عامل، تعصبات قومی و مذهبی در مردان است که عامل قتل همسران می‌شود. این انگیزه در مردان کشور ما بیشتر دیده می‌شود. مورد دیگر که در بسیاری از قتل‌ها دیده می‌شود، سوءظن و بدبینی مردها است. این خصلت در بعضی از مردان وجود دارد و کلاً افراد بدبینی هستند، اما بعضی از مردان با رفتارهایی که در همسرانشان مشاهده می‌کنند، دچار سوءظن می‌شوند که در هر دو حالت قبل از اثبات و یقین دست به قتل می‌زنند. گاهی خود مرد روابط پنهان دارد که برایش دردسرساز شده است. به همین دلیل برای خلاصی از منجلابی که در آن گیر کرده‌است، تصمیم به قتل همسرش می‌گیرد. اعتیاد و موادمخدر نیز از دلایلی است که منجر به قتل همسران می‌شود. البته این انگیزه مشترک در زن و مرد وجود دارد، اما در مردان بیشتر است. عوامل فرهنگی و خانوادگی نیز می‌تواند دخیل باشد.

آیا طلاق می‌تواند در کاهش این دسته از قتل‌ها نقش داشته باشد؟

متأسفانه باید بگویم بله، وقتی امکان زندگی سالم بین دو نفر وجود نداشته باشد، طلاق آخرین راه‌حل است. در یک منظر نباید آنقدر تلاش کنیم تا طلاقی رخ ندهد ولو آن زوج دارای فرزند باشد. این جدایی اگر با طلاق شکل نگیرد، در بعضی موارد شاهد قتل یکی از زوجین خواهیم بود.

این نوع پرونده‌ها در روند رسیدگی معمولاً به رضایت ختم می‌شود. آیا فرد بعد از برگشت به خانواده و جامعه دچار مشکل نخواهد شد؟

قصاص با اینکه حکم دینی است، اما گذشت بهتر است. در ماجرای این پرونده‌ها گاهی متهم پدر یا مادر یک یا چند فرزند است به همین دلیل اولیای دم بیشتر به خاطر فرزندان آنها اعلام گذشت می‌کنند، چون اعدام خودش مشکل بزرگ‌تری ایجاد می‌کند. این فرد در بازگشت به خانواده و اجتماع بسته به رویکردها و سطح فرهنگی اجتماعی و خانواده یا دچار مشکل می‌شود یا زندگی آرامی را دنبال می‌کند. از طرفی ممکن است خود فرد دچار مشکلات روحی و روانی شود که در زندگی او مؤثر است.

در جامعه‌ای که بحث تحکیم بنیان خانواده مطرح است، چرا باید شاهد این قبیل پرونده‌ها باشیم؟

اصلاح کانون خانواده با شعار درست نمی‌شود. در حوزه علوم انسانی اظهارنظر سخت است و تجربیات بی‌اهمیت نیست و باید کار شود. باید طیف وسیعی از جامعه‌شناس‌ها، جرم‌شناس‌ها، روانشناسان و قضات و وکلا در این مورد تحقیق کنند تا ریشه‌ای این مشکلات برطرف شود، اما عوامل متعددی از جمله بیکاری، اعتیاد، ازدواج‌های غلط (خیلی سنتی یا خیلی باز در اینترنت)، آشنا نبودن زن و مرد به حقوقشان، رضایت نداشتن جنسی شریک زندگی، مراجعه نکردن به روانشناس و روانپزشک می‌تواند زندگی زوج‌ها را به خطر بیندازد.

چقدر فضای مجازی و گسترش آن را در بروز این قتل‌ها مقصر می‌دانید؟

اگر مشکلات پایه‌ای مثل اقتصاد و روابط که اشاره شد، حل شود این گونه فضاها تأثیر کمتری خواهند داشت. تا زمانی که این قبیل مشکلات در خانواده‌ها باشد، حتی صحبت و دیدارهای عادی نیز باعث بروز چنین اتفاقاتی خواهند شد. فضای مجازی هم در واقع نوع پیشرفته‌تر از همین صحبت‌های عادی است. محدود کردن، بستن و سختگیری همسران نسبت به یکدیگر، مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه در جایی خود باعث مشکل خواهد شد. البته حفظ حیا و قوانین در استفاده از این فضا تأثیر دارد که باید فرهنگ آن آموزش داده شود. در واقع باید به فکر آموزش باشیم تا بستن و محدود کردن آن. می‌توان با آموزش صحیح از همین فضای مجازی استفاده کرد و به خانواده‌ها آگاهی داد تا موجب تحکیم خانواده شود. در واقع به عنوان فرصت استفاده شود نه تهدید.

یکی از علت‌هایی که باعث می‌شود زنان از طلاق منصرف شوند، نوع نگاه جامعه و حمایت نکردن خانواده از آنهاست. نظر شما در این مورد چیست؟

در این اوضاع اقتصادی و فرهنگی جامعه خانواده چقدر می‌تواند حمایت کند؟! گاهی خانواده‌ها از همان ابتدا با ازدواج مخالف هستند، اما جوان‌ها بدون توجه به این مخالفت‌ها زندگی را شروع می‌کنند که بعضاً به طلاق منجر می‌شود. این قبیل زوج‌ها بعد از طلاق به سختی روی برگشت دارند یا خود خانواده‌ها آنها را قبول نمی‌کنند و این برمی‌گردد به فرهنگ خانواده‌ها که باید اصلاح شود. اما نگاه جامعه به این قبیل افراد خوشبختانه با مدرنیته شدن زندگی در کلانشهرها موضوعیت خودش را از دست داده یا کمرنگ شده است و یک زن مطلقه به راحتی می‌تواند تنها زندگی کند. البته زن‌هایی که شاغلند یا آنها که مهریه دارند، جدی‌تر می‌توانند تصمیم بگیرند. البته در قانون اساسی ما باید دولت به زنان بی‌سرپرست رسیدگی کند که متأسفانه این تکلیف از سوی دولت روی زمین گذاشته شده است.

حال اگر این قبیل مشکلات حل شود، اما مشکلات درونی شخص است که باعث می‌شود نگاهش به جامعه تغییر کند. بنابراین بعد از طلاق نباید از ازدواج دوم در صورت موقعیت مناسب فرار کرد. ترس یکی از عواملی است که میل برای ازدواج دوم را کمتر می‌کند.

برای جلوگیری از بروز این قبیل قتل‌ها چه پیشنهاداتی دارید؟

حل و فصل مشکلات خانوادگی و سرعت بخشیدن به پرونده‌ها، اصلاح قوانین طلاق برای زنان، حل مشکلاتی مثل اعتیاد، بیکاری به صورت ریشه‌ای، مراجعه به روانشناسان برجسته و زبده، آموزش شیوه‌های زندگی برای دختران و پسران و تداوم این آموزش‌ها که خیلی مهم است. این آموزش‌ها قبل از شروع زندگی انجام می‌گیرد، اما دختر و پسر بعد از گذشت مدتی از زندگی مشترک دچار مشکلاتی می‌شوند که باید این آموزش‌ها کنار این مشکلات تداوم پیدا کند تا زندگی آنها در تنگنا قرار نگیرد. در خانواده‌ای که مرد تا ساعت‌ها کار می‌کند و جمعه‌ها را برای استراحت انتخاب می‌کند، آن خانواده از محبت خارج می‌شود و از آن مرد یا پدر رویی از صفا و خوشی نمی‌بینند. این باعث فاصله و ایجاد شکاف می‌شود که خود منجر به بی‌تفاوتی و سرانجام اختلاف خانوادگی می‌شود و خانواده از بیرون خانه به دنبال محبت می‌گردد.

ازدواج و نوع انتخاب جوان‌ها خیلی مهم است. آنها اگر با عشق و علاقه انتخاب نکنند در ادامه زندگی به مشکل برمی‌خورند. ازدواج جوان‌ها به صورت کاملاً سنتی و بدون عشق و علاقه منتهی به خیانت می‌شود و این خیانت یا به طلاق یا به قتل می‌انجامد.

ربودن مرد زندانی برای آزاد کردن وثیقه

مردی که به خاطر اختلاف مالی به زندان افتاده‌بود، با ارسال لایحه‌ای برای بازپرس پرونده مدعی شد که از سوی ضامنش ربوده شده است.

به گزارش خبرنگار ما، مرد زندانی در نامه‌اش به قاضی سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران ادعا کرده مدتی قبل به خاطر اختلاف مالی به زندان افتاده بود تا اینکه یکی از دوستانش برای او وثیقه گذاشته و آزاد می‌شود، اما چند روز بعد از آزادی مرد ضامن او را از مقابل خانه‌اش ربوده و به زندان تحویل داده و وثیقه‌اش را آزاد کرده است.

پس از طرح شکایت، بازپرس سهرابی برای بازجویی شاکی را از زندان به دادسرا احضار کرد. مرد زندانی در شرح ماجرا گفت: مدتی قبل با مردی اختلاف مالی پیدا کردم و او از من شکایت کرد. قاضی پرونده پس از بازجویی تا تکمیل شدن تحقیقات مرا به زندان محکوم کرد تا اینکه پرونده کامل شد و برای من تا روز دادگاه قرار وثیقه صادر شد. با یکی از دوستانم به نام شایان تماس گرفتم و از او خواستم برای من سندی تهیه کند و او هم سند یکی از املاکش را به عنوان وثیقه گذاشت و آزاد شدم. وی ادامه داد: هنوز چند روزی به زمان دادگاهی‌ام مانده بود که از سوی شایان و چند نفر از دوستانش ربوده و تحویل زندان شدم. آن روز وقتی از خانه‌ام برای انجام کاری بیرون آمدم شایان با خودرواش کنارم توقف کرد. فکر کردم کاری با من دارد یا قصد احوالپرسی دارد به همین دلیل به خودرواش نزدیک شدم تا از او دوباره تشکر کنم که ناگهان چند نفر از خودرو پیاده شدند و مرا به زور سوار کردند. شایان رانندگی می‌کرد و چند مرد ناشناس هم مرا به شدت کتک زدند و تهدید کردند هیچ حرفی نزنم. در حالی که به شدت شوکه شده بودم علت ربودنم را سؤال کردم که شایان مدعی شد به خاطر اینکه وثیقه‌اش را آزاد کند مرا ربوده تا تحویل زندان بدهد. ساعتی بعد شایان مرا تحویل زندان داد و وثیقه‌اش را آزاد کرد.

آنها مرا تهدید کردند که شکایت نکنم به همین دلیل ابتدا قصد شکایت نداشتم، اما وقتی موضوع آدم‌ربایی را با خانواده‌ام در میان گذاشتم تصمیم گرفتم از شایان و دوستان ناشناسش به اتهام آدم‌ربایی و ضرب و جرح شکایت کنم.

با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی سهرابی برای انجام تحقیقات و مشخص شدن ادعای مرد زندانی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

۳ کشته در واژگونی آمبولانس

واژگونی آمبولانس حامل بیمار در آزادراه قزوین به زنجان سه کشته برجای گذاشت.

این حادثه ساعت ۶ و ۷ دقیقه صبح روز یک‌شنبه اتفاق افتاد که در جریان آن آمبولانسی که از اردبیل در حال انتقال بیمار به بیمارستان امام خمینی تهران بود، در آزادراه قزوین- زنجان (محدوده سه‌راهی ضیاءآباد) واژگون شد. در جریان حادثه فرد بیمار و دو نفر از امدادگران اورژانس جان باختند.

باشگاه حقوقی

اعاده دادرسی

اعاده دادرسی از جمله روش‌های شکایت از حکم صادره است و راهی برای برگشت به دادگاه صادرکننده حکم قبلی می‌باشد، با این هدف که دادگاه از رأی قطعی سابق خود برگردد، چون شاکی مدعی است که صدور آن رأی از روی اشتباه بوده و دلایل موجود اجازه نمی‌دهد که چنین حکمی باقی بماند. اعاده دادرسی عبارتند از: ۱- موضوع حکم مورد ادعای شاکی نباشد. به عنوان مثال فرد از دادگاه، صدور حکم تخلیه را تقاضا کند و دادگاه علاوه بر صدور حکم تخلیه، حکم به پرداخت اجرت‌المثل نیز صادر کند. ۲- حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد؛ مانند اینکه خواسته ۱۰ میلیون تومان باشد، اما دادگاه حکم به پرداخت ۱۵ میلیون تومان خسارت داده است. ۳- فرد مقابل، حیله و تقلبی به کار برده باشد که در حکم دادگاه مؤثر است. مانند اینکه شاکی کاری کند که فردی غیر از متهم در دادگاه حاضر شود و بر خلاف حقیقت به صحت ادعای شاکی اقرار کند. ۴- حکم دادگاه مستند به اسنادی باشد که پس از صدور حکم، جعلی بودن آنها ثابت شده باشد. ۵- پس از صدور حکم، اسناد و مدارکی به دست آید که دلیل بر حقانیت درخواست‌کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و مدارک مذکور در جریان دادرسی پنهان و پوشیده بوده و در اختیار قاضی نبوده است.

به جوان دوباره نگاه کن
Javanonline.ir

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۴۰۰۹۰۰۱۴۴۷-۱۳۹۶/۲/۱۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای اکبر غریبی فرزند حاجی به ش.ش: ۹۶۶ صادره از دشتی به ش.ملی: ۳۵۴۹۴۷۳۱۰۹ در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۰۰ مترمربع پلاک ۱۶ فرعی از ۲۰۳۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری از مالک رسمی علی دهقانی فرد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد./ ۲۴۴۹۷۳ - م الف: ۴۳۴
نوبت اول: ۹۶/۳/۱۶ و نوبت دوم: ۹۶/۳/۳۱ سهراب خواجه- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

آگهی مزایده
ستاد آجا
شماره آگهی: ۷۷۲۵/۱۷
نوبت دوم
م‌الف: ۷۱۳
فرماندهی قرارگاه پشتیبانی ستاد آجا در نظر دارد رستوران نور واقع در بزرگراه شهید بابایی بلوار نیروی زمینی ارتش نبش خیابان ازگل به صورت اجاره از طریق مزایده عمومی به واجدین شرایط واگذار نماید. علاقه مندان شرکت در مزایده می توانند جهت دریافت برگ شرایط و تحویل پاکت قیمت پیشنهادی از تاریخ درج آگهی نوبت دوم به مدت ده روزکاری به آدرس: تهران بزرگراه شهید بابایی- بلوار نیروی زمینی نبش خیابان کامران (ازگل)- مجموعه فرهنگی رفاهی شهید قرنی (حسابداری) مراجعه نمایند.

نوبت اول
جناب آقای جعفر شریفی
همکار محترم اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان آذربایجان غربی
با توجه به اینکه جنابعالی مرتکب غیبت غیر موجه به صورت متوالی بیش از دو ماه شده‌اید و منتج به صدور رأی اخراج از دستگاه متبوع شده است با توجه به عدم دسترسی جنابعالی ابلاغ رأی صادره عملاً میسر نگردیده حال این آگهی احضاریه صادر می شود لذا از تاریخ انتشار به مدت ۳۰ روز برای تسلیم لایحه دفاعیه و ارائه مستندات به هیأت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور مهلت دارید در غیر این صورت مطابق مقررات پرونده امر مورد رسیدگی واقع و حکم مقتضی صادر می گردد.
م‌الف: ۷۳۳